

Theme 1 (Education)

**1. Place a premium on something:** to consider one quality or type of thing as being much more important than others.

چیزی را مهمتر از چیزهای دیگر دانستن

*The world has **placed a premium** on the knowledge and skill one can obtain from higher education.*

دنیا دانش و مهارت هایی که یک فرد از طریق تحصیلات تکمیلی می آموزد بالاتر و مهمتر از چیزهای دیگر دانسته است.

*Modern economies **place a premium** on educated workers.*

اقتصاد امروز کارکنان تحصیلکرده را بالاتر از چیزهای دیگر می داند.

**2. Range from something to something:** to include a variety of different things or people.

از ... گرفته تا ...

*Students are required to possess a collection of skills, **ranging from** those learn in their field **to** those in other relevant subjects.*

دانش آموزان لازم است مجموعه ای از مهارت ها را بیاموزند، از مهارت هایی که در رشته شان است تا آنهایی که به موضوعات دیگر مربوط می شوند.

*The show had a massive audience, **ranging from** children **to** grandparents.*

نمایش تماشاگران زیادی داشت، از بچه ها گرفته تا پدربزرگ ها و مادربزرگها.

نکته 1. همانطوریکه می بینید از این ترکیب معمولاً به صورت *ranging from ... to ...*, به جای عبارت "شامل" استفاده می شود.

نکته 2. همانطوریکه در مثال اول می بینید معمولاً در نوشته ها به جای کلمه *have* (داشتن) از کلمه رسمی تر *Possess* استفاده می کنیم.

**3. Dabble in:** to do something or be involved in something in a way that is not very serious.

چیزی را سرسری یاد گرفتن یا انجام دادن

Students who **dabble in** different specialized areas are hired in higher positions.

دانش آموزانی که به صورت سرسری رشته های مختلف را یاد می گیرند، در پست های بالاتری استخدام می شوند.

People who **dabble in** painting as a way of relaxing...

افرادی که برای سرگرمی و استراحت به نقاشی روی می آورند...

**4. Take in something:** Learn

یاد گرفتن

Today, students are required to **take in** essential information within a time frame.

امروزه دانش آموزان لازم است تا اطلاعات ضروری را در یک زمان محدود بیاموزند.

The course was very difficult, but I tried to **take in** as much as possible.

درس بسیار سخت بود اما من سعی کردم تا حد امکان یاد بگیرم.

**5. Versatile:** someone who is versatile has many different skills.

ماهر در زمینه های مختلف

Not only does it make students **versatile**, but it also helps them to match the needs of a fast-changing and competitive society.

نه تنها این دانشجویان را در زمینه های مختلف ماهر می کند، بلکه به آنها کمک می کند تا خود را با نیازهای جامعه به سرعت در حال تغییر و رقابتی تطابق دهند.

a very **versatile** workforce

یک نیروی کار بسیار ماهر

نکته 1. همانطوریکه در مثال اول می بینید هرگاه از ترکیب not only... but also... برای جمله های کامل (هر دو

طرف باید کامل باشند) استفاده می کنیم، جمله اول باید سئوالی (Inversion) شود.

نکته 2. ترکیب fast-changing society/world را در نوشته های خود می توانید استفاده کنید.

**6. An array of:** a group of people or things, especially one that is large or impressive

تعداد زیادی ...

*Current employers show a tendency to recruit youngsters who can do a various array of jobs.*  
کارفرمایان امروزه تمایل دارند جوانانی را استخدام کنند که می توانند شغل های گوناگون بسیاری را انجام دهند.

نکته: در نوشته های رسمی به جای تعریف کننده ای مثل a lot of می توانید از an array of برای اسامی قابل شمارش استفاده کنید.

**7. To keep abreast of something:** to make sure that you know all the most recent facts or information about a particular subject or situation:

همگام شدن یا اطلاع یافتن از آخرین اطلاعات چیزی

*To keep abreast of the 21<sup>st</sup> century, large numbers of people are seeking to receive tertiary education.*

برای همگام شدن با قرن 21، تعداد زیادی از افراد به دنبال ادامه تحصیلات دانشگاهی هستند.

*It's important to keep abreast of the latest developments in computers.*

همگام شدن با آخرین اطلاعات در ارتباط با کامپیوتر اهمیت زیادی دارد.

نکته 1:

**Tertiary education:** education at a university, college etc. as opposed to at a school or high school. تحصیلات دانشگاهی

**Higher education:** education at a university or college, especially to degree level. تحصیلات دانشگاهی

**Further education:** education for people who have left school, that is not provided by a university. دیدن دوره های تکمیلی خارج از دانشگاه

نکته 2: همانطوریکه می بینید فعلی که برای education استفاده می شود، receive است.

**8. state-of-the-art:** using the most modern and recently developed methods, materials, or knowledge.

طبق آخرین روش ها

*Distance learning, a **state-of-the-art** educational model, has received wide currency among qualification seekers.*

آموزش راه دور، به عنوان یک مدل آموزش مدرن، رواج زیادی بین جستجوگران مدارک تحصیلی پیدا کرده است.

***State-of-the-art** technology*

تکنولوژی مدرن و طبق آخرین متدها

نکته 1: receive wide currency یعنی رواج زیادی یافتن

نکته 2: از عبارت Qualification Seeker می توانید برای اشاره به کسانی که دنبال ادامه تحصیل در مدرج بالاتر هستند استفاده کنید.

**9. Commitment:** the hard work and loyalty that someone gives to an organization, or an activity.

تعهد

*Distance learning requires **commitment** from students because it proceeds in the absence of teachers.*

آموزش راه دور نیازمند تعهد از طرف دانشجویان است زیرا در غیاب معلمین دنبال می شود.

*I was impressed by the energy and **commitment** shown by the players.*

من تحت تاثیر انرژی و تعهد بازیکنان قرار گرفتم.

نکته: proceed یعنی دنبال شدن یا ادامه یافتن پس از شروع به کار. مثلاً وقتی می گوئیم: work is proceeding according to our plans یعنی کارها براساس برنامه هایمان ادامه دارد.

**10. To lag behind:** to move or develop more slowly than others.

عقب ماندن

*Students will develop bad study habits and **lag behind** their peers.*

دانش آموزان عادات بد می گیرند و از همکلاس های خود عقب می مانند.

*Denmark is **lagging behind** the rest of Europe.*

دانمارک از بقیه اروپا عقب مانده است.

**11. In succession:** happening one after the other without anything different happening in between.

به صورت متوالی

*Sitting in front of the computer for several hours **in succession** might cause boredom, fatigue and other physical problems.*

نشستن جلوی کامپیوتر برای چند ساعت متوالی ممکن است سبب کسلی، خستگی و مشکلات فیزیکی شود.

*She won the championship four times **in succession**.*

او چهار بار متوالی قهرمان شد.

**12. Interpersonal:** relating to relationships between people:

بین افراد، میان فردی

*Learners will organize teamwork and develop **interpersonal** relationships.*

دانش آموزان فعالیت های تیمی شان را سازماندهی کرده و روابط میان فردی شان افزایش می یابد.

**Interpersonal skills**

مهارت های میان فردی.

**13. Self-directed:** responsible for organizing your own work rather than getting instructions from other people

فرد خودکار

*Virtual learning suits the self-motivated and **self-directed** students.*

آموزش راه دور برای دانش آموزان خودکار و دارای انگیزه مناسب است.

*This gives learners guidance in their **self-directed** learning.*

این به دانشجویان در یادگیری خودکار خود راهنمایی می دهد.

نکته: برای مناسب بودن می توانید از لغت suit استفاده کنید.

**14. Vocation:** a particular type of work that you feel is right for you.

حرفه مناسب

*Schools have become increasingly **vocation**-oriented in recent years.*

مدارس در سالهای اخیر به سمت کسب کار و حرفه متمایل شده اند.

*At 17 she found her true **vocation** as a writer*

در سن 17 سالگی او نویسندگی را به عنوان حرفه مناسب خود انتخاب کرد.

نکته: از صفت oriented میتوانی بعد از هر اسمی استفاده کنی.  
مثلاً وقتی می گویند اقتصاد یک کشور export-oriented است یعنی مبتنی بر صادرات است.

### 15. Academic: a teacher in a college or university.

مدرس و استاد دانشگاه

*Some academics advocate that sport and music classes should be cancelled in exchange for more academic classes.*

برخی اساتید بر این باور هستند که کلاس های موسیقی و ورزش باید کنسل شده و جای خود را به کلاس های آکادمیک تر بدهند.

*Students also will be able to have direct contact with professional academics and researchers.*

دانشجویان همچنین می توانند با اساتید و محققین حرفه ای در ارتباط مستقیم باشند.

نکته 1: توجه داشته باشید که لغت academic صفت نیز می تواند باشد و به معنی دانشگاهی خواهد بود. مثلاً:  
academic qualifications یعنی مدارک دانشگاهی.

نکته 2. in exchange for something یعنی به جای چیزی یا در عوض چیزی. مثلاً:

I've offered to paint the kitchen in exchange for a week's accommodation.

به من پیشنهاد دادند تا آشپزخانه را در عوض یک هفته جا، نقاشی کنم.

### 16. Excel at/in something: to do something very well, or much better than most people

در چیزی برتر از بقیه بودن

*A student excelling in a subject is far more marketable in the job market.*

دانش آموزی که در یک رشته برتر از بقیه است، در بازار کار جای بهتری خواهد داشت.

*Rick has always excelled at foreign languages.*

ریک همیشه در زبان های خارجی از بقیه بوده است.

نکته 1. لغت marketable یعنی چیزی یا کسی که بیشتر از چیزها یا افراد دیگر محبوبیت داشته باشد. مثلاً  
marketable products یعنی محصولاتی که در بازار محبوبیت بیشتری دارند.

نکته 2. سعی کنید قبل از صفت های برتر خود از far استفاده کنید تا برتری آنها را بیشتر نشان دهد. این Modifier به معنی "خیلی" می باشد و بر برتری تاکید دارد.

**17. To be heavily loaded with something:** to have a lot of work to do

بسیار درگیر چیزی بودن یا به خاطر چیزی سرشلوغی داشتن

*Students are heavily loaded with learning tasks.*

دانشجویان بسیار درگیر یادگیری مهارت ها هستند.

**18. Extracurricular:** extracurricular activities are not part of the course that a student is doing at a school or college

فوق برنامه

*The top priority for educators today is to recommend sports and music as **extracurricular** activities.*

امروزه اولویت اول برای مسئولین مدارس و اساتید، پیشنهاد دادن ورزش و موسیقی به عنوان فعالیت های فوق برنامه می باشد.

*Most families lack the money to get their children involved in **extracurricular** activities.*

بیشتر خانواده ها پول کافی ندارند تا فرزندان خود را به فعالیت های فوق برنامه مشغول کنند.

نکته: به جای "نداشتن" می توانید از فعل lack استفاده کنید که بسیار رسمی تر است.

**19. To suspend:** to officially stop something from continuing, especially for a short time

معلق کردن، برای مدتی متوقف کردن

*Some students **suspend** their study for a year to obtain work experience and some go straight into university.*

برخی دانشجویان درس شان را برای یک سال متوقف کرده تا تجربه کاری کسب کنند و برخی مستقیم به دانشگاه می روند.

**20. Undertake something:** accept that you are responsible for a piece of work, and start to do it

کاری را تقبل کردن

**Undertake to do something:** to promise or agree to do something.

تقبل کردن انجام کاری

*Coming fresh out of high school, students are not in a strong position to **undertake** early employment.*

پس از بیرون آمدن از دبیرستان، دانش آموزان در موقعیت محکمی نیستند که کار زودهنگام را تقبل کنند.

*He **undertook** to pay the money back in six months.*

او تقبل کرد تا پول را در شش ماه برگرداند.

**21. Shake confidence:** to make someone feel less confident, less sure about their beliefs etc.

از بین بردن اعتماد به نفس

*Exposure to an unpredictable and daunting world will easily **shake their confidence**.*

در معرض دنیای غیرقابل پیش بینی و ترسناک بودن، اعتماد به نفس آنها را از بین می برد.

*His **confidence** was badly **shaken**.*

اعتماد او به صورت بدی از بین رفت.

**22. Career:** a job or profession that you have been trained for, and which you do for a long period of your life.

شغلی که برای آن آموزش دیده و یا مدت زمان طولانی انجام می دهید.

*One problem of early employment is that most young people are not able to make a correct **career** decision.*

یکی از مشکلات آغار به کار زودهنگام آنست که بیشتر جوانان قادر نخواهند بود که یک تصمیم درست برای شغل خود بگیرند.

نکته:

Job: کاری که شما برای گذران زندگی انجام می دهید.

Occupation: معادل Job است اما فقط در نوشته های رسمی از آن استفاده می شود.

Career: از این کلمه به معنی زندگی کاری استفاده می شود.

Trade: نوعی کار که در آن کارها با دست انجام می شود. مثلاً نجاری و ...

Profession: کارهایی مثل آموزش، پزشکی و یا قانون که در آن نیاز به سطح بالای یادگیری یا آموزش است.



**23. Aptitude:** natural ability or skill

مهارت یا توانایی ذاتی

*Choosing a career requires sufficient knowledge of one's own strengths and **aptitudes**.*

انتخاب یک شغل نیاز به دانش کافی از نقاط قوت و مهارت های ذاتی دارد.

*He has a natural **aptitude** for teaching.*

او مهارت ذاتی برای آموزش دارد.

**24. Disengage from:** to stop being involved or interested in something

دوربودن از کاری

*Too many young people **disengage from** learning.*

جوانان زیادی از یادگیری دوری می کنند.

*The side effects of **disengagement from** schooling might not be significant in the first several years.*

اثرات سوء دوری از مدرسه ممکن است در چندسال اول بسیار محسوس نباشد.

نکته: schooling به معنی آموزش در مدرسه است. به عنوان مثال Compulsory schooling یعنی شرکت اجباری در مدرسه.

**25. Private School:** a school that is not supported by government money, where education must be paid for by the children's parents

مدرسه غیرانتفاعی

*A **private school** is very often associated with quality service, professional teaching staff and excellent facilities.*

یک مدرسه غیرانتفاعی اغلب از خدماتی با کیفیت، گروه مدرسین حرفه ای و امکانات عالی برخوردار است.

*The trouble is, the **private schools** fees are too high these days.*

مشکل این است که شهریه مدارس غیرانتفاعی امروزه زیاد از حد بالاست.

نکته 1: State School در مقابل Private school و به معنی مدرسه دولتی است.

نکته 2: Staff همیشه به صورت مفرد بکار می رود و به معنی گروه کارکنان است. از به کار بردن این کلمه به عنوان کارمند پرهیز کنید. برای کاربرد مفرد می توانید از کلمه ای مثل employee استفاده نمایید.

نکته 3: to be associated with یعنی "مربوط بودن" و یا "برخوردار بودن".

نکته 4: کلمه quality می تواند صفت نیز باشد. در این حالت، به معنی "با کیفیت" خواهد بود.

**26. Outperform:** to be more successful than someone or something else.

بهتر و موفق تر از کسی یا چیزی بودن

*Private schools **outperform** public schools based on their more flexible and advanced academic and extracurricular programmes.*

مدارس غیرانتفاعی به خاطر برنامه های آکادمیک و غیرانتفاعی منعطف و پیشرفته شان از مدارس دولتی موفقتر هستند.

*Spanish students **outperformed** U.S. students in science.*

دانش آموزان اسپانیایی از دانش آموزان آمریکایی در علوم موفق تر هستند.

**27. Foster:** to help a skill, feeling, and idea develop over a period of time

بهبود بخشیدن یک مهارت، یک حس و یا یک ایده

*A private school **fosters** students' physical, emotional and social well-being.*

یک مدرسه غیرانتفاعی رفاه فیزیکی، احساسی و اجتماعی دانش آموزان را بالا می برد.

*These classroom activities are intended to **foster** children's language skills.*

این فعالیت های کلاسی برای بالا بردن مهارت های زبانی کودکان در نظر گرفته شده اند.

نکته 1: از کلمه well-being می توانید به جای "رفاه و راحتی" استفاده کنید. مثلاً well-being of our customers

یعنی "رفاه مشتریان ما" و یا a feeling of well-being یعنی "حس رفاه"

نکته 2: ترکیب to be intended to به معنی "در نظر گرفته شدن" می باشد.

**28. Tuition (fee):** the money you pay for being taught

شهریه

*Parents have to pay extremely high **tuition** for their children.*

پدر و مادرها شهریه های بسیار بالایی را برای کودکان خود می پردازند.

*Because of **tuition** fees, a private school is accessible only to those who are able to pay, rather than those who are able to learn.*

بخاطر شهریه، یک مدرسه غیرانتفاعی تنها برای آنهایی در دسترس است که قدرت پرداخت دارند، تا آنهایی که قدرت یادگیری دارند.

**29. Well-mannered:** talking and behaving in a polite way

خوش رفتار

Most of private school students are **well-mannered** and have a positive self-image.

بیشتر دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی بسیار خوش رفتار هستند و تصویر مثبتی از خود دارند.

نکته: متضاد این ترکیب، bad-mannered است.

**30. School age:** the age at which a child is old enough to go to school

سن مدرسه

A private school benefits some sections of **school-age** populations only.

یک مدرسه غیرانتفاعی تنها به بخش هایی از جمعیت مدرسه ای سود می رساند.

children below **school age**

کودکان پایین تر از سن مدرسه

**31. Well-rounded education:** well-rounded education or experience of life is complete and varied.

آموزش جامع

She received a **well-rounded** education.

او آموزش جامعی دید.

He has a **well-rounded** background in management.

او پیش زمینه جامعی در مدیریت دارد.

**32. Competence:** the ability to do something well.

صلاحیت و شایستگی

Students will gain **competence** in a wide range of skills.

دانش آموزان در محدوده وسیعی از مهارت ها صلاحیت کسب می کنند.

An analysis of students' feedback enables teachers to enhance their **competence**.

تحلیلی از فیدبک دانش آموزان به معلمین این امکان را می دهد که صلاحیت خود را افزایش دهند.

**33. Core subjects:** subjects that have to be studied at a school or college

درس های اصلی

*Schools have to deliver the **core skills**.*

مدارس باید مهارت های اصلی را آموزش دهند (انتقال دهند).

*Young people need advanced skills in **core subjects** like English, math and science, as well as the ability to use computers.*

جوانان به مهارت های پیشرفته ای در دروس اصلی مثل انگلیسی، ریاضیات و علوم در کنار توانایی استفاده از کامپیوتر نیاز دارند.

نکته: as well as به معنی "در کنار..." بوده و پس از آن فقط می توانید یک اسم بیاورید. یادتان باشد از آن به معنی همچنین استفاده نکنید. زیرا دیده شده است که بعضی زبان آموزان پس از آن جمله کامل استفاده می کنند.

**34. Hardworking:** working with a lot of effort

سخت کوش، سخت کوشی

*Despite the great value of **hardworking**, students of all ages need time to play and relax.*

علیرغم ارزش بالای سخت کاری، دانش آموزان در تمام سنین به زمانی برای بازی و استراحت نیاز دارند.

*a **hard-working** teacher.*

یک معلم سخت کوش.

**35. Fail to do something:** to not succeed in achieving something

نتوانستن

***Failing to cope with stress** might disable students from maintaining their interest in studying.*

عدم توانایی در مقابله با استرس ممکن است دانشجویان را از حفظ علاقه در تحصیل بازدارد.

*Most education systems today **fail to** provide the necessary facilities students need.*

بیشتر سیستم های آموزشی امروز نمی توانند امکانات لازمی را که دانش آموزان نیاز دارند فراهم کنند.

نکته: از fail to می توانید به جای cannot و از failed to به جای could not در نوشته های خود استفاده کنید.

**36. Acquire knowledge:** gain knowledge

کسب دانش

*Studying hard is critical to a student's success, helping him or her **acquire more knowledge** in his or her youth.*

زیاد درس خواندن برای موفقیت یک دانش آموز ضروری است و به او کمک می کند که در جوانی خود دانش بیشتری کسب کند.

*the best way of **acquiring new skills and knowledge** is through the Internet.*

بهترین راه کسب مهارت ها و دانش جدید از طریق اینترنت است.

نکته: از کلمه youth در نوشته های رسمی به معنی "دوره جوانی" استفاده کنید. توجه داشته باشید که از این کلمه نمی توانید به جای young people استفاده کنید. تنها در ترکیب the youth of می توانید از این کلمه به معنی جوانان استفاده کنید. مثلا: The youth of today are the pensioners of tomorrow